


روشهای حل و فصل بین‌المللی اختلافات در حقوق مالکیت معنوی

دکتر ضرغام غریبی

چکیده

مقاله حاضر که به بررسی نظام‌های بین‌المللی کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای کنوانسیون‌های متضمن حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی اختصاص دارد، شامل مقدمه‌ای مربوط به مطالب عمومی و تبیین ماهیت اختلافات بین‌المللی و سه بخش مشتمل بر بیان اجمالی پیشینه تاریخی نحوه پیش‌بینی کیفیت حل و فصل بین‌المللی اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مقررات حقوق مالکیت معنوی، کنوانسیون‌های متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی و روشهای حل و فصل بین‌المللی اختلافات در چارچوب دو نظام مشخص یعنی استفاده از روش‌های کلاسیک و روش‌های خاص حل و فصل بین‌المللی اختلافات اعم از روش‌های دیپلماتیک، رسیدگی‌های قضایی و شبه قضایی می‌باشد. ضمن آن‌که در این بررسی، در تبیین نظام حقوقی حل و فصل اختلاف در چارچوب «سازمان جهانی تجارت»، تأکید بیشتری شده است. زیرا که این

نظام مهم و برجسته با برخورداری از ساختاری منسجم و روشهای کاری کارآمد، جامعه بین‌المللی را که هرگز چنین وضعی را در حوزه حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای مقررات بین‌المللی حقوق مالکیت معنوی تجربه نکرده بود، متحول ساخته است. البته این وضعیت بسیار خاص که امروزه نهادینه شده است، محصول ابتکار هیأت‌های مذاکره‌کننده کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه عضو «سازمان جهانی تجارت» در طی یک دوره ده ساله در اوروگوئه می‌باشد که بر اساس انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی مقررات بعضی از موافقت‌نامه‌های چندجانبه بین‌المللی همانند «گات» را به حمایت از موضوعات مالکیت‌های معنوی پیوند زده و نظام حل و فصل اختلافات مربوط به آن موافقت‌نامه‌های اقتصادی را به حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت‌های معنوی تسری داده‌اند. بررسی مقررات و پروسه‌های آن نظام، هدف اصلی نگارنده در مقاله حاضر می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حمایت از «حقوق مالکیت معنوی»^۱ به عنوان بخش جدیدی از نهاد مالکیت و مشتمل بر «مالکیت‌های صنعتی، ادبی و هنری» برای حمایت از آثار ادبی، علمی و هنری، اختراعات، علائم تجاری، نشان‌های جغرافیایی و غیره^۲ در سطح بین‌المللی، از قرن نوزدهم به بعد و با تصویب دو کنوانسیون بین‌المللی مهم یعنی «کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی» در سال ۱۸۸۳^۳ و «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» در سال ۱۸۸۶^۴ نهادینه و با مرور زمان متحول شده است.

بدون تردید، تحقق اصلی‌ترین اهداف بنیانگذاران این کنوانسیون‌ها به منظور شکوفایی خلاقیت‌های فردی و ارتقاء معیارهای زیستی بشر با تحولات و تغییرات تدریجی در کیفیت علوم و فنون، منوط به وجود مقرراتی جامع و اجرای تعهدات بین‌المللی دول عضو به شرح مذکور و مقرر در آن پیمان‌های بین‌المللی ضمن توجه به اصل بنیادین «حاکمیت دولتها» می‌باشد. مقرراتی که از یک طرف به دلیل حمایت دولتها از افراد مخترع و آفریننده در قلمرو صلاحیت‌های سرزمینی، دارای خصیصه حقوق داخلی و از طرف دیگر با توجه به تعهدات دولتها برای ایجاد معیارهای خاص حمایتی و انجام اقدامات حمایتی با ماهیت فرا سرزمینی، دارای جنبه بین‌المللی است و این ویژگی‌ها در کل، حقوق مالکیت‌های معنوی را از خصیصه‌ای منحصر بفرد (*Sui- generis*) برخوردار ساخته است.

۱. به نظر می‌رسد، به جای این عبارت، استفاده از عبارت «حقوق مالکیت‌های فکری» که آثار ناشی از فعالیت‌های ذهنی انسان را حمایت می‌کند، درست‌تر باشد.

۲. سابقه حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی در نظام‌های داخلی کشورها در قرن پانزدهم میلادی ریشه دارد و کشورهای «انگلستان» و «هولیز» اولین حمایت‌کنندگان از حقوق مالکیت‌های معنوی بوده‌اند.

3. Paris Convention for the Protection of Industrial Property.

4. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works.

واضح است که در این قلمرو، همیشه تفسیر قواعد و اجرای مقررات حقوق مالکیت معنوی بین‌المللی با ضوابط، اصول و اهداف اصلی بنیانگذاران آنها یکسان نبوده و لاجرم اجرای ناقص و یا عدم اجرای آن مقررات، موجبات اختلاف بین دارندگان حقوق مالکیت معنوی در قلمرو داخلی کشورها و بین دول متعاقد کنوانسیون‌ها در عرصه جامعه بین‌المللی را فراهم می‌کند که بدون شک، حل و فصل مطلوب آن اختلافات به منظور تضمین اعتبار پیمان بین‌المللی مورد نظر، مستلزم به کارگیری ترتیبات و یا وجود نظام خاص حل و فصل اختلافات می‌باشد. نظام حل و فصل اختلافاتی که به دلیل برخورداری حقوق مالکیت معنوی از ماهیتی دوگانه، دارای ابعاد ملی و بین‌المللی بوده و به همین دلیل دول عضو کنوانسیون‌های حمایت‌کننده از حقوق مالکیت‌های معنوی با قبول اعمال چنین نظامی، عموماً متعهد می‌شوند که اختلافات مطرح در داخل محدوده سرزمینی خود را با تسهیلات قضایی به منظور محاکمه و مجازات ناقضان داخلی حقوق مالکیت معنوی و «اختلافات بین‌المللی» را که در رابطه با تفسیر و یا اجرای حقوق مالکیت معنوی بوجود می‌آیند و حل و فصل آنها با توجه به ماهیت حقوقی آنها در صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی از جمله «دیوان بین‌المللی دادگستری» می‌باشد،^۵ به روشهای سیاسی، شبه قضایی و یا قضایی حل و فصل نمایند. هر چند از عبارت «اختلاف بین‌المللی» در اسناد حقوقی حمایت از حقوق مالکیت معنوی، هیچ تعریف خاصی به عمل نیامده و تشخیص این امر به حقوق بین‌الملل عرفی وانهاده شده است. اگرچه در حقوق بین‌الملل هم «اختلاف بین‌المللی» تعریف نشده و استناد حقوقدانان بین‌المللی در تعیین ابعاد حقوقی «اختلاف بین‌المللی» تنها به تعبیر «دیوان

۵. حل و فصل این‌گونه اختلافات با رجوع به قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل میسر است و از این رو اختلافات حقوقی غالباً به داوری و یا دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌گردند؛ ممتاز، دکتر جمشید، سلسله درسهای دانشکده حقوق دانشگاه تهران، نیمسال تحصیلی ۱۳۶۶-۱۳۶۵، ص ۹۲.

دایمی دادگستری بین‌المللی» در رأی قضیه «ماوروماتیس» مربوط به سال ۱۹۲۴^۶ و ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مبتنی است که مقرر می‌دارد:

«کلیه اختلافات مربوط به تفسیر یک معاهده، هر مسأله که موضوع حقوق بین‌الملل باشد، حقیقت هر امر که در صورت ثبوت نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب شود و نوع و میزان غرامتی که برای نقض تعهد بین‌المللی پرداخت می‌شود، جزو اختلافات حقوقی محسوب می‌شوند».

یعنی در این موارد هم، تنها معیارهای تشخیص ماهیت یک اختلاف بین‌المللی که عموماً از اوصاف حقوقی و سیاسی برخوردار می‌باشد و تعیین آنها برای احراز صلاحیت مرجع بین‌المللی رسیدگی‌کننده لازم است، مورد تبیین قرار گرفته‌اند.^۷ هرچند کلیه اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای مقررات مربوط به حمایت از حقوق مالکیت معنوی به شرح کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن آن حقوق، ذاتاً از ماهیت کاملاً «حقوقی»^۸ برخوردار بوده و رسیدگی به آنها هم با وجود سایر شرایط، ذاتاً در صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی مذکور در آن اسناد حقوقی بین‌المللی می‌باشد.

در این مقاله فقط به بررسی نظام حقوقی بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات مربوط به حمایت از حقوق

۶. برای مطالعه این رأی رک.

Mavrommatis Concessions Case, Encyclopedia of Public International Law, North Holland, Publishing Company, Vol. 2, 1981, p. 182.

۷. وقتی اختلافی بین دو دولت ایجاد می‌شود اگر ادعای آنها مبتنی بر قواعد حقوقی باشد جنبه حقوقی دارد و اگر دعوای طرفین و یا لاقلاً یکی از آنها منطبق بر موازین حقوقی و قواعد بین‌المللی نباشد، جزء اختلافات سیاسی است. صفدری، دکتر محمد، حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲، جلد سوم، ص ۶۰۷.

۸. البته تصریح به حقوقی بودن اختلاف، بیشتر برای متمایز کردن آن از اختلافات سیاسی است که حل و فصل آنها در چارچوب رسیدگی‌های قضایی و قواعد حقوقی صورت نمی‌گیرد.

مالکیت معنوی در سه قسمت تحت عناوین ذیل اکتفا شده است: «تاریخچه حل و فصل اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی»، «کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی» و «روشهای حل و فصل بین‌المللی اختلافات حقوق مالکیت معنوی».

۱- تاریخچه حل و فصل اختلافات ناشی از حقوق مالکیت معنوی

از مطالعه در رابطه با تاریخ تحول نظام مالکیت‌های معنوی، این‌گونه برمی‌آید که پیش‌بینی کیفیت حل و فصل اختلاف در زمینه اجرای حقوق مالکیت معنوی در ابعاد بین‌المللی، از دو سند معتبر یعنی «کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی» و «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» و نسخه‌های بازنگری شده آنها در زمینه نحوه حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات این دو کنوانسیون شروع شده است که در آنها مقرر شده تا اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مقررات آن کنوانسیون‌ها از طریق مذاکره و در صورت شکست و قبول صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، از طریق آن دیوان حل و فصل گردد.

همچنین مطالعات مزبور، حکایت از آن دارند که علاوه بر معاهدات دوجانبه متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی که حل و فصل بین‌المللی اختلافات را با ارجاع اختلاف به «داوری» پیش‌بینی نموده‌اند؛ بعضی از پیمان‌های منطقه‌ای و معاهدات بین‌المللی بویژه با ماهیت اقتصادی همانند «پیمان عمومی تعرفه و تجارت سال ۱۹۴۷» و «موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت سال ۱۹۹۴»^۹ وجود دارند که با داشتن مقرراتی جامع و قابل

۹. World Trade Organization به «سازمان تجارت جهانی» هم ترجمه شده است ولی به نظر می‌رسد عبارت «سازمان جهانی تجارت» دقیق‌تر باشد، زیرا وصف جهانی متعلق به سازمان است نه تجارت.

اعمال بین حدود ۱۵۰ کشور دنیا در زمینه حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات حقوق مالکیت معنوی، «نظام حقوقی مشترکی»^{۱۰} را در این قلمرو بنیاد نهاده‌اند که امروزه به دلیل تأثیرشان بر قواعد حل و فصل اختلافات و تسهیل تجارت بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردارند و بررسی و ارزیابی نسبی آن نظام حقوقی، موضوع اصلی این مقاله است.

۲- کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی به طور کلی، کنوانسیون‌های بین‌المللی که به نحوی در رابطه با حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای مقررات حقوق مالکیت‌های معنوی و مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات مقرراتی را تدوین نموده‌اند، به قرار ذیل می‌باشند:

۱-۲- معاهدات بین‌المللی دو جانبه و منطقه‌ای متضمن حمایت از حقوق

مالکیت‌های معنوی

امروزه اکثر دول عضو جامعه بین‌المللی، معاهدات دو جانبه و چند جانبه منطقه‌ای را منعقد کرده‌اند و در آنها دول متعاقد علاوه بر تصریح به حمایت از موضوعات اصلی و اعطای پاره‌ای از امتیازات مرتبط با حقوق مالکیت‌های معنوی از قبیل اختراعات، دانش فنی و غیره، به نحوه حل و فصل اختلافات احتمالی ناشی از اجرای آن حقوق هم اشاره نموده‌اند. مثلاً در موافقتنامه‌های بین‌المللی اقتصادی و بازرگانی که امروزه انعقاد آنها بین دولتها بویژه در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی متعارف شده است؛ طرفهای متعاقد در احصاء عناوین سرمایه، علاوه بر این که به موضوعات

۱۰. کلیه اعضاء سازمان مکلف هستند این نظام را رعایت و اعمال نمایند و طبق مقررات مذکور در موافقتنامه‌های منضم به آن، اعمال هیچ‌گونه رزروی هم از طرف دولتها در مورد این نظامات امکان ندارد.

حقوق مالکیت معنوی از جمله حق اختراع، طرحهای صنعتی، علائم و اسامی تجاری، دانش فنی و غیره به عنوان سرمایه تصریح می‌نمایند، در بخش خاصی از آن کنوانسیون‌ها هم به کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر از طریق «مذاکره» به طور دوستانه و در صورت عدم توافق از طریق ارجاع اختلاف به هیأت «داوری» اشاره می‌نمایند^{۱۱} و یا همچنین در معاهدات و کنوانسیون‌های منطقه‌ای که بنا به ملاحظات خاص اعم از اقلیمی، ژئوپولیتیکی و یا غیره بین بعضی از دولتها منعقد می‌گردد، دول عضو ضمن تصریح به حمایت از پاره‌ای از حقوق مالکیت‌های معنوی، در رابطه با حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرا هم مقرراتی را تدوین و برقرار می‌نمایند. مثلاً موافقتنامه NAFTA^{۱۲} که بین دول امریکا، کانادا و مکزیک منعقد شده است در بخش 20B در رابطه با حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی مقرراتی را تدوین نموده است^{۱۳} و یا پیمان اتحاد اروپا که در ماده ۱۷۰، اعضاء را مجاز می‌داند در صورتی که اعضای دیگر پیمان را اجرا نکنند به دیوان دادگستری اروپایی مراجعه کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۱. دولت جمهوری اسلامی ایران با تصویب هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۱ تحت شماره ۱۳۱۹۹/ت/۱۳۱۹۹ در اجرای ماده (۲) آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی در زمینه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری، متن نمونه موافقتنامه‌ای را مورد استفاده قرار می‌دهد که در ماده ۱ آن به احصاء موضوعات حقوق مالکیت معنوی به عنوان سرمایه و در ماده ۱۳ آن به کیفیت حل و فصل اختلاف بین طرفهای متعاقد تصریح شده است.

12. North American Free Trade Agreement.

۱۳. برای مطالعه بیشتر، رک.

Hastings P. & Janofsky, "North American Free Trade Agreement – Summary and Analysis", at 100 et seq. (New York, 1992/1993).

۲-۲- کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی

بیش از یک قرن است که جامعه بین‌المللی شاهد انعقاد موافقتنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به معنی اخص در حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی است که به منظور حمایت از حقوق دارندگان مالکیت‌های معنوی و تسهیل اجرای مقررات آنها در ابعاد بین‌المللی تدوین و لازم‌الاجرا شده و در آنها در زمینه کیفیت حل و فصل اختلافات بین‌المللی ناشی از تفسیر و اجرا، ترتیبات و مکانیزم‌هایی مورد تذکر قرار گرفته‌اند.^{۱۴} مثلاً ماده ۲۸ کنوانسیون پاریس، ماده ۳۳ کنوانسیون برن، ماده ۱۵ کنوانسیون جهانی حق مؤلف،^{۱۵} ماده ۳۰ کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان صفحات صوتی و سازمان‌های پخش‌کننده^{۱۶} و ماده ۵۹ معاهده همکاری اختراعات^{۱۷} به طور خاص، امر رسیدگی به اختلافات را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده‌اند.

۲-۳- موافقتنامه‌های بین‌المللی «اقتصادی» متضمن حمایت از حقوق

مالکیت‌های معنوی

علاوه بر معاهدات دو جانبه، کنوانسیون‌های منطقه‌ای و کنوانسیون‌های حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی، مدتها است که جامعه بین‌المللی ناظر انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی «اقتصادی» است که در آنها

۱۴. همه اسناد در زمینه حقوق مالکیت معنوی درخصوص ابزارهای مقرر برای حل و فصل اختلاف، به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) ارجاع داده‌اند که البته با توجه به ابعاد سیاسی و امکان زروهای مختلف، حتی یک مورد رسیدگی به اختلاف هم به آن دیوان واگذار نگردیده است:

Dromer Sigrid, Dispute Settlement and New Developments Within the Framework of TRIPs - An Interim Review, IIC, Vol. 31, No. 1, 2000, p. 4.

15. Universal Copyright Convention (UCC).

16. International Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organizations (The Rome Convention).

17. Patent Cooperation Treaty (PTC).

به دلیل ارتباط خاص موضوع موافقتنامه‌ها با مالکیت‌های معنوی و لزوماً کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر حقوق مربوط به آنها، مقررات و ترتیبات خاصی پیش بینی شده‌اند. مثلاً «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» مشهور به «موافقتنامه گات ۱۹۴۷» در طی مواد ۲۲ و ۲۳ به انضمام تفاهم‌نامه حل اختلاف سال ۱۹۷۹ و یا «موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت» سال ۱۹۹۴ به انضمام مقررات «تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات»^{۱۸} از طریق ارجاع مذکور در ماده ۶۴ «موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی»^{۱۹} مقررات جامع و کاملی را در زمینه نظام حل و فصل اختلافات بین‌المللی مربوط به تفسیر و اجرای حقوق مالکیت معنوی تدوین نموده‌اند.

البته برخلاف آنچه اشاره شد، در قلمرو حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی، بعضی از کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی هم وجود دارند که در آنها برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات آنها، ترتیباتی وجود ندارد. مثلاً «موافقتنامه علائم تجاری مادرید»^{۲۰} «اتحادیه حمایت از گونه‌های جدید گیاهی»^{۲۱} و «موافقتنامه مربوط به طرح‌های صنعتی لاهه»^{۲۲} و بعضی از کنوانسیون‌ها و معاهدات تحت مدیریت «سازمان جهانی مالکیت معنوی»^{۲۳} از قبیل «پیمان اجرا کنندگان و صفحات صوتی ۱۹۹۶»^{۲۴} «پیمان

18. Dispute Settlement Understanding (DSU).

19. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs).

20. Madrid Trademark Agreement.

21. Union for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV).

22. Hague Agreement on Industrial Designs.

23. World Intellectual Property Organization (WIPO).

24. WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT).

کپی رایت ۱۹۹۶»^{۲۵} و غیره جزو کنوانسیون‌هایی هستند که متون حقوقی آنها در مورد کیفیت حل و فصل اختلافات، فاقد ترتیبات خاصی می‌باشند.^{۲۶}

۳- روشهای حل و فصل بین‌المللی اختلافات حقوق مالکیت معنوی

آنچه در کل از توجه به اسناد حقوقی بین‌المللی مورد اشاره در مانحن فیه جلب توجه می‌کند، این است که به نظر می‌رسد در حوزه حقوق بین‌الملل، اختلافات بین‌المللی ناشی از تفسیر و اجرای مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی، با دو روش مشخص یعنی «۱- حل و فصل بین‌المللی اختلافات با روشهای کلاسیک حقوق بین‌الملل عمومی و ۲- حل و فصل بین‌المللی اختلافات با روشهای خاص» به شرح ذیل حل و فصل می‌گردند.

۱- ۳- حل و فصل بین‌المللی اختلافات با روشهای کلاسیک حقوق

بین‌الملل عمومی^{۲۷}

قبلاً گفتیم که در بعضی پیمان‌های حمایت از مالکیت‌های معنوی در رابطه با کیفیت حل و فصل اختلافات، تدابیر و مکانیزم‌های خاصی پیش‌بینی شده است. مثلاً ماده ۲۸ «کنوانسیون پاریس برای حمایت از

25. WIPO Copyright Treaty (WCT).

26. Karen Lee & Silk Von Lewinski, "The Settlement of International Disputes in the Field of Intellectual Property", From GATT to TRIPs, IIC Studies, Max Planck Institute, Munich, 1996, pp. 278-328.

۲۷. در حقوق بین‌الملل عمومی رویه‌های متعدد رسیدگی برای حل و فصل، مورد موافقت دولتها قرار گرفته است که دست کم از ویژگی شبه قضایی برخوردار است. رک.

Hilf M., Settlement of Dispute in International Economic Organization: Comparative Analysis and Proposals for Strengthening the GATT Dispute Settlement Procedures, The New GATT Round of Multilateral Trade Negotiations, Klawer, 1991, p. 101.

مالکیت‌های صنعتی»، ماده ۳۳ «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی، علمی و هنری»، ماده ۱۵ «کنوانسیون جهانی حق مؤلف»، ماده ۳۰ «کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان صفحات صوتی و سازمان‌های پخش‌کننده» و ماده ۵۹ «معاهده همکاری اختراعات» به طور مشابه مقرر نموده‌اند که:

«هرگاه اختلافی بین دو یا چند کشور عضو اتحادیه در مورد اجرا یا کاربرد عهدنامه پیش‌آید که از طریق «مذاکره» قابل حل و فصل نباشد هر یک از آنها می‌توانند اختلاف خود را به «دیوان بین‌المللی دادگستری» ارجاع نمایند...».^{۲۸}

تدابیر مشابهی هم در بعضی از کنوانسیون‌های منطقه‌ای مانند عهدنامه «بوگوتا»، معاهده «نفتا» و «پیمان اتحاد اروپا» برای رجوع اختلافات بین‌المللی به بعضی مراجع قضایی پذیرفته شده است و یا همین‌طور اکثر موافقتنامه‌های دو جانبه حمایت از حقوق مالکیت معنوی، عموماً به استفاده از «داوری» برای حل و فصل اختلافات در اجرای مفاد معاهده تصریح کرده‌اند.^{۲۹} هرچند تکلیف کیفیت حل و فصل اختلاف در رابطه با اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات حمایت از حقوق مالکیت معنوی در بعضی از پیمان‌های بین‌المللی به صراحت روشن نیست و در این زمینه با توجه به معلوم نبودن این امر که با بروز اختلاف باید از چه روشی استفاده نمود، ابهام هست.

۲۸. ماده ۳۳ کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (نسخه ۱۹۷۱).

۲۹. در قسمت مربوط به حل و فصل اختلاف در عهدنامه‌های منعقد شده بین دول تصریح شده است که چنانچه حل اختلافات به‌طور دوستانه و از طریق مذاکره سیاسی امکان‌پذیر نشود به داوری و یا رسیدگی قضایی ارجاع داده خواهد شد. صفدری، دکتر محمد، پیشین، صص ۶۱۳-۶۱۲.

اگرچه می‌توان گفت که با توجه به قرار گرفتن کلیه اختلافات ناشی از اجرای مقررات معاهدات حمایت از حقوق مالکیت معنوی از جمله معاهدات مورد اشاره در چارچوب اختلافات حقوقی بین‌المللی و نیز با توجه به تعهد دولتها به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل عرفی^{۳۰} طبق دستور صریح بند ۱ ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد،^{۳۱} لازم است تا کلیه اختلافات ناشی از اجرای مقررات کنوانسیون‌هایی که فاقد تصریحاتی در رابطه با تعیین روش‌های حل و فصل اختلاف می‌باشند مطابق با مقررات و نظام حقوق بین‌الملل کلاسیک مشتمل بر مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری^{۳۲} و رسیدگی قضایی حل و فصل گردند.

در نتیجه به طور خلاصه می‌توان گفت که حل و فصل کلیه اختلافات بین‌المللی ناشی از اجرای مقررات حمایت از حقوق مالکیت معنوی، اسناد حقوقی بین‌المللی مورد اشاره فوق به جز در موارد استثنایی،^{۳۳} با «روشهای سیاسی» و «روشهای حقوقی» مذکور در آن اسناد اعم از مذاکره، داوری و یا ارجاع اختلاف به مراجع قضایی بین‌المللی بویژه دیوان بین‌المللی دادگستری که در کل با عنوان روشهای کلاسیک حقوق بین‌الملل عمومی

30. Lec & Lewinski, *op. cit.*, p.283.

۳۱. بند ۱ ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود، راه حل آن را جستجو نمایند».

۳۲. عموماً به این روشها که به طور غیرقضایی صورت می‌گیرند، روشهای جایگزین حل و فصل اختلاف (Alternative Dispute Resolution = ADR) اطلاق می‌گردد:

Leesti Mart, WIPO/IPR/PM/THR/98/11, p. 5.

۳۳. موارد استثنایی مربوط به اختلافاتی می‌شوند که در چارچوب «موافقتنامه تریپس» به آنها تصریح شده است و در آن موارد، اعضاء سازمان جهانی تجارت مکلف هستند اختلافات خود در زمینه حقوق مالکیت معنوی را در چارچوب نظام خاص آن سازمان مطرح و ادامه دهند.

شناخته می‌شوند، صورت می‌گیرد که در اینجا از بیان تفصیلی آنها به دلیل طولانی شدن مبحث خودداری می‌گردد.^{۳۴}

۲-۳- حل و فصل بین‌المللی اختلافات به روشهای خاص^{۳۵}

صرفنظر از روشهای مذکور در گفتار پیشین در رابطه با نظام کلاسیک حل و فصل بین‌المللی اختلافات که بین دول عضو آن کنوانسیونها و در چارچوب مورد قبول آنها کاربرد دارند،^{۳۶} موضوع کیفیت حل و فصل بین‌المللی اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای مقررات حمایت از حقوق مالکیت معنوی، با توجه به وضعیتی که در پایان دور مذاکرات اوروگوئه در دهه ۱۹۹۰ پدید آمد و دولتهای عمدتاً متعاهد گات ۱۹۴۷ یک سند نهایی به انضمام تعدادی موافقتنامه از جمله «موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی» مشهور به «موافقتنامه تریپس» و «تفاهم‌نامه حل و فصل اختلاف» را در سال ۱۹۹۴ در مراکش دایر بر برقراری رژیم حقوقی خاص را تصویب نمودند؛ از اهمیتی بسیار برجسته و استثنایی برخوردار گردید^{۳۷} که در مقایسه با

۳۴. البته به موازات این‌گونه روشهای حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات، روش دیگری هم وجود دارد که طبق ماده ۹۴ منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت آن را در حالتی اعمال می‌کند که وضعیت اختلاف بین‌المللی موجود برای صلح و امنیت بین‌المللی خطرناک محسوب شود.

۳۵. در حقوق بین‌الملل عمومی روشهای متعدد رسیدگی برای حل و فصل اختلاف مورد توافق دولتها قرار گرفته است که از خصیصه شبه قضایی برخوردار است و نظام حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت یکی از آنهاست، اگرچه در اعمال آن روشها علی‌رغم اختلاف در ساختار و اهداف، حداقل یکی از رویه‌های دیگر حل اختلاف وجود دارد. رک.

Hilf M., op. cit., p. 301.

۳۶. متأسفانه، امروزه استفاده از روشهای کلاسیک حل و فصل اختلاف، با توجه به عدم سابقه استفاده از آن روشها تاکنون و با وجود آمدن وضعیت بسیار خاص و استثنایی در دهه اخیر در عرصه بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی به دلیل تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ و التزام دولتهای عضو آن سازمان به استفاده از روشهای خاص مقرر در ضمایم موافقتنامه تأسیس آن سازمان، غیر محتمل می‌باشد.

۳۷. نتیجه مذاکرات، قرار دادن «موافقتنامه تریپس» تحت نظام حل و فصل اختلافات WTO بوده است:

ترتیبات حل و فصل اختلافات مذکور در کنوانسیونهای قبلی حقوق مالکیت معنوی که تنها به یک ارجاع^{۳۸} کلی مشتمل بر انجام مذاکره، داوری و یا ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری اکتفا نموده‌اند؛ امری کاملاً ابتکاری و بی‌نظیر می‌باشد.^{۳۹} چرا که معماران حقوقی موافقتنامه‌های گات و تریپس، با قرار دادن اکثر کنوانسیون‌های اصلی متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی تحت پوشش «موافقتنامه تریپس» به شرح مقرر در مواد ۱، ۳ و ۹ آن موافقتنامه و با برقراری نظامی خاص برای حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی^{۴۰} از طریق ارجاع مذکور در ماده ۶۴ موافقتنامه تریپس دایر بر قابلیت اعمال کلیه مقررات «تفاهم‌نامه حل اختلاف»^{۴۱} برای حل و فصل اختلافات^{۴۲} که مقرر می‌دارد:

«مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۱۹۹۴، آن گونه که در تفاهم‌نامه حل اختلاف تنظیم و اعمال شده است، در مورد مشورتها و حل اختلافات ناشی از

Gervais Daniel, *The TRIPs Agreement Drafting History and Analysis*, Sweet and Maxwell, London, 1998, p. 247.

۳۸. همانند ماده ۲۸ کنوانسیون پاریس و ماده ۲۳ کنوانسیون برن.

۳۹. WTO برای ایفای نقش مشارکت‌ها و آراء صادره کارآمدتر گردید، رک.

Faryar Shirzad, *The WTO Dispute Settlement System Prospects for Reform, Law and Policy International Business*, Vol.31, 2000, p. 768.

۴۰. با توجه به افزایش تقاضاهای مربوط به حقوق مالکیت معنوی و اختلافات ناشی از اجرای آنها، استفاده از مکانیزم حل و فصل اختلاف و پروسه‌های خاص آن از قبیل مذاکره، وساطت و مصالحه، باعث کمتر شدن هزینه‌های رسیدگی، سرعت عمل و تسهیل روابط فی‌مابین طرفها می‌گردد:

Leesti Mart, *Dispute Settlement Including Alternative Disputes Resolution Mechanisms*, WIPO Asian and Pacific Regional Seminar, Tehran, 1998.

۴۱. این موافقتنامه که اختصاراً به آن «تفاهم‌نامه حل اختلاف» اطلاق می‌گردد، جزو ضمایم موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت می‌باشد که درخصوص اختلافات ناشی از کلیه موافقتنامه‌ها از جمله تریپس، اعمال می‌شود.

۴۲. یکی از وظایف شورای تریپس طبق ماده ۶۸ تریپس، کمک به اعضا در مورد حل اختلاف در صورت تقاضای آنها می‌باشد.

موافقتنامه حاضر، جز در مواردی که در این سند به گونه دیگری مقرر شده است، قابل اجرا خواهد بود».

رژیم حقوقی ویژه‌ای را در این قلمرو برقرار نموده‌اند^{۴۳} تا بدان وسیله، مقررات و آیین‌های دقیق مورد استفاده در هیأت‌های رسیدگی کننده (Panels) و واحدهای حل و فصل اختلاف (DSB)^{۴۴} تفاهم‌نامه^{۴۵} حل اختلاف، در مورد کلیه اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای حقوق مالکیت معنوی مورد حمایت در کنوانسیون‌های مهم از قبل موجود و مذکور در تریپس هم قابل اعمال گردد.^{۴۶} مقررات حل و فصل اختلافاتی که در وضعیت حاضر به روش خاص و جدید صورت می‌گیرند مشتمل بر نظام دیپلماتیک، قضایی و داوری حل و فصل بین‌المللی اختلافات به شرح زیر می‌باشند.

۱- ۲- ۳- نظام دیپلماتیک و شبه قضایی^{۴۷} حل و فصل بین‌المللی اختلافات

امر حل و فصل اختلافات در حوزه سازمان جهانی تجارت، تابع پاره‌ای از ترتیبات، مقررات و مراحل است که در واقع انجام آنها مستلزم توسل به پاره‌ای از اقدامات دیپلماتیک و طی پروسه‌های تقریباً قضایی به

^{۴۳} برای مطالعه بیشتر درخصوص حل و فصل اختلافات، رک.

Michael Blakeney, "The Impact of the TRIPs Agreement in the Pacific Region", 10 E.I.P.R., 1999.

44. Dispute Settlement Body (DSB).

45. WTO Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Dispute.

^{۴۶} ماده ۲۳ تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات می‌باشد.

^{۴۷} با توجه به نحوه تشکیل پانل‌ها و اعمال رویه‌های خاص مذکور در تفاهم‌نامه و آیین‌نامه مربوط و مقایسه آنها با رسیدگی‌های قضایی بین‌المللی، بطور کلی به نظر می‌رسد، این نحوه رسیدگی را می‌توان رسیدگی «شبه قضایی» پنداشت.

شرح مذکور در «تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات» که اختصاراً به آن «تفاهم‌نامه» اطلاق می‌گردد، می‌باشد.

ترتیبات و مقررات غیر قضایی حل و فصل اختلاف مسورد نظر در این نظام که در بدو امر شامل ۱- مساعی جمیله (Good Offices)، ۲- مصالحه (Conciliation) و ۳- میانجیگری (Mediation)^{۴۸} و رایزنی (Consultation) در مرحله بعد می‌باشند؛ همه در واقع جزو روشهای دیپلماتیک حل و فصل بین‌المللی اختلافات حقوق بین‌الملل کلاسیک هستند که تفاهم‌نامه در ماده ۵ خود به آنها به عنوان راههای داوطلبانه حل اختلافات بر اساس موافقت طرفهای اختلاف تصریح نموده و با تعیین مقرراتی در این زمینه به شرح مقرر در بندهای ششگانه ماده ۵ و تجویز استفاده از این شیوه‌ها در هر زمانی و در هر مرحله‌ای از رسیدگی به اختلاف در چارچوب سازمان جهانی تجارت، یک نوآوری جدیدی را پدید آورده است تا طرفین اختلاف به طور اختیاری و با توافق یکدیگر از ایسن شیوه‌ها استفاده نمایند. البته در این چارچوب، ممکن است امر پیشنهاد حل و فصل اختلاف از طریق مساعی جمیله، سازش یا میانجیگری به منظور کمک به اعضا، توسط مدیر کل سازمان جهانی تجارت و به اعتبار موقعیت و رسمیت مقام او به عمل آید. اگرچه متأسفانه از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت تاکنون و علی‌رغم اهمیت استفاده از این روشها و مؤثر بودن آنها در حل و فصل به موقع و رضایت بخش اختلافات در چارچوب گات ۱۹۴۷ و گات ۱۹۹۴ در هیچ اختلافی به این رویه‌ها به دلیل اختیاری بسودن

۴۸. این سه روش اگرچه در مقررات اصلی گات سابق مورد اشاره قرار نگرفته بود، لیکن در تفاهم‌نامه سال ۱۹۷۹ و نیز در تصمیم وزرا در سال ۱۹۸۹، به عنوان اولین راه حل اختلاف موجود به اعضای گات ارائه و توصیه شده بود. کدخدایی، دکتر عباس، «نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شماره ۲۱، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹.

رجوع نشده است؛^{۴۹} در حالی که استفاده از این روشها در حقوق بین‌الملل عمومی به عنوان روشهای غیر قضایی حل و فصل اختلافات، می‌توانند در صورت به کارگیری در چارچوب سازمان جهانی تجارت، زیر بنای تصمیمات متخذه از سوی مرجع حل اختلاف نیز باشند، زیرا بر اساس آنها، هیأت‌های رسیدگی‌کننده در چارچوب سازمان جهانی تجارت می‌توانند اختلافات را بررسی و در صورت قبول، آنها را اجرا نمایند^{۵۰} و در واقع با توجه به اهمیت استفاده از این روشهای دیپلماتیک در حل و فصل اختلافات بین‌المللی در چارچوب گات ۱۹۴۷ و در چارچوب گات ۱۹۹۴ می‌باشد که به ناچار، مدیر کل «سازمان جهانی تجارت» در تاریخ ۱۳ ژوئیه سال ۲۰۰۱، بیانیه‌ای^{۵۱} را دایر بر ترغیب اعضاء به استفاده از این روشها صادر نموده است.

«رایزنی» و یا مشورت از روشهای با اهمیت و غیر قضایی دیگر حل و فصل بین‌المللی اختلافات است که در چارچوب نظام سازمان جهانی تجارت به آن تصریح شده است که مقرر می‌دارد هرگاه حقوق کشور عضوی در چارچوب موافقتنامه‌های منضم به موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، نقض گردد، باید بدو بطور کتبی از کشور عضوی که قرار است مورد شکایت قرار گیرد، ضمن ارسال یک نسخه از تقاضا به رکن حل اختلاف، تقاضای رایزنی نماید.^{۵۲} در این صورت، دولت طرف عضو سازمان جهانی تجارت، بایستی ضمن پاسخ مثبت به طرف ظرف ۱۰ روز از

۴۹. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، شماره ۴۱، آذر ۱۳۸۱، صص ۳۷-۳۶.

۵۰. کلدخدایی، دکتر عباس، پیشین، صص ۱۵۰-۱۴۹.

۵۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، پیشین، ص ۳۶.

۵۲. ماده ۴ تفاهم‌نامه.

روز درخواست رایزنی در طی یکماه با حسن نیت با آن دولت متقاضی رایزنی، وارد مشاوره گردد.

این مشورت که با توافق طرف مقابل صورت می‌گیرد، لازم است ظرف ۶۰ روز به جز در موارد اضطراری مثل کالاهای فاسد شدنی که ایسن مدت ۲۰ روز می‌باشد،^{۵۳} انجام پذیرد، مگر این که طرفین بخواهند آن را به مدت حداکثر ۶۰ روز دیگر با توافق همدیگر تمدید نمایند.

رایزنی در نظام جدید، برخلاف نظام گات ۱۹۴۷ که مشورت کردن در آن چارچوب به اختیار طرفهای متعاقد بود، یک اقدام ضروری^{۵۴} به حساب می‌آید^{۵۵} که بایستی علاوه بر محرمانه بودن به طور کتبی و به انضمام دلایل درخواست و مستندات مربوطه انجام پذیرد و سپس هم به اطلاع رکن حل اختلاف، شوراها و کمیته‌های مربوطه برسد.^{۵۶}

در انجام رایزنی، چنانچه طرف مقابل ظرف ۱۰ روز مقرر، پاسخی دایر بر قبول رایزنی ارائه ندهد و یا ظرف ۳۰ روز مقرر با دولت متقاضی وارد مشورت نگردد و یا در صورت انجام مشورت در ظرف مواعد مقرر طرفین به توافق نرسند، در این حالت و در صورت عدم توافق به نحو دیگر، اختلاف مطروحه با توجه به ترتیبات مقرر در تفاهم‌نامه حل اختلاف و با

۵۳. بندهای ۸ و ۹ ماده ۴ تفاهم‌نامه.

۵۴. البته عده‌ای از حقوقدانان اعتقاد دارند که از مجموع تصریحات تفاهم‌نامه اختلاف چنین استنباط نمی‌شود که امر انجام مشورت یک پروسه لازم و حتمی باشد که طرف اختلاف باید قبل از تشکیل پانل‌های حل اختلاف آن را بدو آغاز نماید. درحالی‌که عده‌ای دیگر آن را مرحله‌ای لازم و مقدمه شروع طرح قضیه در رکن حل اختلاف می‌دانند. به نظر می‌رسد این دیدگاه، با توجه به تأکید تفاهم‌نامه به اقدام براساس حسن‌نیت طرف متقاضی صحیح‌تر باشد.

۵۵. بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ تفاهم‌نامه.

۵۶. بند ۴ ماده ۴ تفاهم‌نامه.

تقاضای دولت مدعی به «رکن حل اختلاف» جهت تشکیل «هیأت رسیدگی» ارجاع داده خواهد شد.^{۵۷}

البته موضوع قابل توجهی که در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت جلب توجه می‌کند و کاملاً جنبه ابتکاری دارد، این است که در این نظام، در بند ۱۱ ماده ۴، ورود عضو ثالث در مرحله مشورت تجویز گردیده است تا آن عضو در صورت احساس وجود نفع خاصی در اختلاف و به شرط تقاضا ظرف ۱۰ روز از زمان گردش درخواست مشورت اصلی و قبول طرفین اصلی اختلاف، در مشورت شرکت نماید.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد، این است که آیا مقوله «مذاکره» که به عنوان اولین روش حل و فصل مسالمت‌آمیز در کنوانسیون‌ها مورد تصریح قرار گرفته است، با مقوله «رایزنی» مذکور در این تفاهم‌نامه دارای یک ماهیت می‌باشند، یا با هم متفاوتند؟

به نظر می‌رسد هر دو دارای یک معنا و یک ماهیت باشند و تنها تفاوت قابل توجه، در واقع نحوه و تشریفات اجرایی آنها می‌باشد که در چارچوب نظام جدید، انجام و نحوه پیگیری آن از شیوه و اهمیت بسزایی برخوردار گردیده است.

۲-۲-۳- نظام قضایی حل و فصل اختلافات از طریق ایجاد هیأت‌های

رسیدگی‌کننده و تقاضای استیناف

همان طور که در تفاهم‌نامه مقرر است و به طور مختصر به آنها اشاره شد، اگر طرفین اختلاف نتوانند ظرف ۶۰ روز از طریق رایزنی در مرحله

۵۷. از سال ۱۹۹۵، تعداد درخواستهای رسمی مشورت در چارچوب تفاهم‌نامه حل اختلاف، به طور چشمگیری افزایش یافته و تا ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲ به ۲۶۱ درخواست رسیده است که حساوی ۲۱۲ موضوع متفاوت می‌باشد و آمریکا با ۸۱ دعوا در مقام اول قرار دارد. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، همان، ص ۳۳.

اول، به راه حل رضایت بخشی برسند و یا این که طرف ادعا یعنی کشور خواننده در موعد مقرر^{۵۸} پاسخی ندهد و یا وارد رایزنی نگردد،^{۵۹} در این صورت کشور مدعی می‌تواند از رکن حل اختلاف^{۶۰} بخواهد تا آن رکن، یک هیأت رسیدگی کننده یعنی پانل معمولاً سه نفره را که دبیرخانه از بین لیست افراد دولتی و غیر دولتی از اتباع کشورهای غیر طرف اختلاف انتخاب می‌کند،^{۶۱} برای بررسی اختلاف تشکیل دهد^{۶۲} تا آن پانل ضمن استفاده از اختیارات خود که شامل ارزیابی موضوعی اختلاف و مشورت دایمی با طرفین اختلاف می‌باشد، یافته‌های خود را جهت کمک به رکن حل اختلاف برای صدور توصیه‌نامه ارائه نماید.^{۶۳} لازم به توضیح است که چنانچه در این مرحله، دولت عضو ثالثی دارای منافع اساسی در قضیه مطروحه باشد؛ آن دولت هم می‌تواند به عنوان «طرف ثالث» و طبق شرایط مذکور در ماده ۱۰ تفاهم‌نامه وارد دعوی گردد و پانل وضعیت او را استماع نماید.^{۶۴}

پانل مذکور پس از تشکیل و با رعایت مقررات ماده ۱۲ تفاهم‌نامه، موظف است ظرف ۶ ماه که قابل تمدید به ۹ ماه می‌باشد، مگسر در مورد

۵۸. ظرف ۱۰ روز مقرر در بند ۳ ماده ۴ تفاهم‌نامه.

۵۹. ظرف ۳۰ روز مقرر در بند ۳ ماده ۴ تفاهم‌نامه.

۶۰. در سازمان جهانی تجارت رکن حل اختلاف که با تقاضای دولت شاکی تشکیل می‌شود و مدیریت حل و فصل اختلافات از جمله صلاحیت انحصاری تشکیل پانل، تصویب گزارش پانل و رکن استیناف، نظارت بر اجرای احکام و توصیه‌ها و تجویز اقدامات تلافی‌جویانه در صورت عدم اجرای توصیه‌ها را به عهده می‌گیرد؛ در واقع عملاً همان شورای سازمان جهانی تجارت است که در این حالت تبدیل به یک رکن «شبه قضایی» می‌گردد و باید هیأت رسیدگی را تشکیل دهد مگر این که در شورا با «وفاق عام» تصمیم به عدم تشکیل هیأت گرفته شود که این امر هم محال به نظر می‌رسد. به این گونه تصمیم‌گیری، «کنسانسوس منفی» اطلاق می‌گردد که از نوآوری‌های بی‌سابقه در حوزه اتخاذ تصمیم در سازمان‌های بین‌المللی است.

۶۱. ماده ۸ تفاهم‌نامه.

۶۲. ماده ۶ تفاهم‌نامه.

۶۳. ماده ۷ تفاهم‌نامه.

۶۴. ماده (۲) ۱۰ تفاهم‌نامه.

کالاهای فاسد شدنی که مدت آن ۳ ماه است، وظایف مقرر خود را تمام کرده و گزارش خود را به رکن حل اختلاف و طرفین تقدیم نماید و رکن حل اختلاف موظف است ظرف ۶۰ روز پس از توزیع گزارش، آن را تصویب نماید و یا تصمیم مبتنی بر اجماع (وفاق عام) اعضاء سازمان جهانی تجارت و یا در اثر اطلاع رسمی یکی از طرفهای اختلاف دایر بر تقاضای استیناف، تصمیمی دایر بر عدم تصویب گزارش مذکور بگیرد.^{۶۵} این پانل رسیدگی‌های خود را بجز در مواردی که حضور طرفین را لازم بدانند، به صورت غیر علنی انجام می‌دهد. مباحثات پانل‌ها محرمانه بوده و اظهارات طرفین هم بایستی به صورت کتبی تقدیم پانل شوند.

گزارش پانل‌ها، بدون حضور طرفین اختلاف و بر اساس اطلاعات و اظهارات دریافتی تنظیم و ارائه می‌گردند و در روند جدید حل و فصل اختلاف در چارچوب نظام سازمان جهانی تجارت، گزارش‌های مزبور قابلیت استیناف دارند. یعنی در نظام جدید حل و فصل اختلافات، معماران حقوقی گات، به منظور امکان بازنگری در گزارشات پانل‌ها، یک مرحله استینافی را که از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد، از طریق مقررات ماده ۱۷ تفاهم‌نامه حل اختلاف پیش‌بینی و به عنوان مکانیزمی اطمینان‌بخش در اختیار طرف ناراضی قرار داده‌اند تا در چارچوب و محدوده موضوعات حقوقی مذکور در گزارش پانل و تفسیرهای به عمل آمده توسط آن پانل، تقاضای تشکیل رکن استینافی را بنماید تا نسبت به تأیید، اصلاح و یا نقض نظر پانل اقدام نماید.^{۶۶}

رکن استیناف که از ۷ نفر متخصص در امور حقوق، تجارت بین‌الملل و موافقتنامه‌های متضمن موضوعات مورد اختلاف به منظور

۶۵. ماده ۱۶ تفاهم‌نامه.

۶۶. ماده (۱۳) ۱۷ تفاهم‌نامه.

بررسی شکلی گزارش پانل‌ها و نه رسیدگی ماهوی به آنها تشکیل می‌گردد؛ موظف است تا ظرف ۶۰ روز که قابل تمدید به ۹۰ روز می‌باشد، رسیدگی را تکمیل و گزارش را ارائه نماید. این گزارش که توسط رکن حل اختلاف تصویب می‌شود، بایستی بدون شرط توسط طرفین پذیرفته شود، مگر این که ظرف ۳۰ روز پس از توزیع آن بین اعضاء،^{۶۷} رکن حل اختلاف، آن گزارش را با وفاق عام نپذیرد.^{۶۸} درخصوص اجرای این گونه پذیرش‌ها که توسط رکن حل اختلاف به صورت توصیه‌نامه صادر می‌گردند؛ طراحان حقوقی نظام حل و فصل اختلافات، به شرح مذکور در ماده ۲۱ تفاهم‌نامه، پیش‌بینی نموده‌اند وقتی که گزارش پانل‌ها یا رکن استیناف پذیرفته می‌شود؛ در این صورت کشور خواننده، ۳۰ روز مهلت خواهد داشت تا قصد خود را دایر بر اجرای توصیه‌نامه و یا دستورات رکن حل اختلاف به آن رکن اعلام نماید و الا در صورت تعذر در اجرای سریع توصیه‌نامه و عدم توافق طرفین دایر بر تعیین موعدی مقرر برای اجرا یا تعیین آن توسط داور، رکن حل اختلاف زمان اجرای متعارفی را تعیین خواهد نمود.

ولی چنانچه کشور مربوطه، توصیه و یا دستورات رکن حل اختلاف را در زمان تعیین شده اجرا ننماید؛ در این صورت، آن دولت بایستی با کشور مدعی نسبت به جبران خسارات به عنوان اقدامات موقتی^{۶۹} تا زمان اجرای دستورات رکن حل اختلاف توسط آن کشور طبق توافق وارد مذاکره گردد و اگر طرفین ظرف ۲۰ روز پس از انقضای مهلت معقول اعطایی نسبت به تعیین سطح جبران خسارات با هم کنار نیایند؛ در این

۶۷. ماده ۱۴ تفاهم‌نامه.

۶۸. تشریفات انتخاب، دوره‌های خدمت و نحوه رسیدگی به شرحی است که در ماده ۱۷ تبیین گردیده است.

۶۹. ماده (۱) ۲۲ تفاهم‌نامه.

صورت کشور مدعی ممکن است از رکن حل اختلاف که بایستی ظرف ۳۰ روز تصمیم بگیرد، بخواهد که آن کشور را در تعلیق امتیازات و سایر تعهدات تحت موافقت نامه‌های تحت پوشش نسبت به خواننده مجاز نماید.

اما این که کدامیک از امتیازات باید معلق گردند؟ این امر بر اصول و رویه‌های مذکور در ماده ۲۲ تفاهم‌نامه مبتنی است که به موجب آنها^{۷۰} در بدو امر تعلیق امتیازات و تعهدات بایستی مربوط به بخشی باشد که رکن حل اختلاف نقض آن زمینه را احراز نموده است.^{۷۱} ولی چنانچه این میزان تعلیق ممکن یا مؤثر نباشد، در مرحله بعدی امر تعلیق امتیازات و تعهدات، در دیگر بخش‌های «همان» موافقتنامه صورت خواهد گرفت. اما چنانچه باز هم این تعلیق عملی و مؤثر نباشد؛ در این صورت^{۷۲} تعلیق امتیازات و تعهدات ممکن است، در بخش‌های «سایر موافقتنامه‌ها» اعمال گردند.^{۷۳}

در چنین وضعی چنانچه دولت خواننده به میزان و سطح تعلیقات پیشنهادی معترض باشد، در این صورت قضیه با توجه به مقررات مذکور در بند ۶ ماده ۲۲ تفاهم نامه به داوری مذکور در آن ماده ارجاع خواهد شد و طرفین بایستی از نظر داوری که طی ۶۰ روز از تاریخ انقضای مهلت متعارف اعطایی به خواننده صادر خواهد شد، متابعت نمایند.^{۷۴}

البته بایستی توجه نمود که امر ارجاع به داوری در این حالت که در واقع یک داوری اجباری است و انجام آن بدین روش در حقوق بین‌الملل عمومی دارای سابقه نمی‌باشد، با ارجاع اختلاف به داوری به معنای متعارف آن که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، متفاوت می‌باشد.

۷۰. ماده (۳) ۲۲ تفاهم‌نامه.

۷۱. ماده (الف) (۳) ۲۲ تفاهم‌نامه.

۷۲. ماده (ب) (۳) ۲۲ تفاهم‌نامه.

۷۳. ماده (ج) (۳) ۲۲ تفاهم‌نامه.

۷۴. ماده (۶) ۲۲ تفاهم‌نامه.

۳-۲-۳- نظام داوری سریع^{۷۵} به منظور حل و فصل اختلافات بین‌المللی

با توجه به این که در جهان معاصر یکی از طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات توسل طرفهای اختلاف به مکانیزم داوری است که مورد اشاره قرار گرفت،^{۷۶} فلذا معماران حقوقی تریپس هم ضمن توجه به این مکانیزم مؤثر، آن را به عنوان یک وسیله جسایگزین برای حل و فصل اختلافات^{۷۷} پذیرفته، و آن را در مورد اختلافات ناشی از اجرای حقوق مالکیت معنوی در چارچوب تریپس قابل دسترسی و اعمال ساخته‌اند. ماده ۲۵ تفاهم‌نامه حل اختلاف مقرر می‌دارد:

«۱- داوری سریع در چارچوب سازمان جهانی تجارت، وسیله دیگری برای حل اختلاف است که می‌تواند حل برخی اختلافات مربوط به موضوعاتی را که هر دو طرف به روشنی معین کرده‌اند، تسهیل نماید.^{۷۸}

۲- به غیر از مواردی که در این تفاهم‌نامه به ترتیب دیگری مقرر شده است، توسل به داوری منوط به توافق متقابل طرفها و همچنین در مورد رویه‌هایی که باید رعایت گردند، می‌باشد. این توافق به داوری در مهلت مناسب قبل از شروع عملی کار، به اطلاع همه اعضا خواهد رسید.^{۷۹} ۳- اعضاء دیگر فقط در صورت موافقت طرفهای داوری می‌توانند طرف رسیدگی در داوری قرار بگیرند و طرفهای داوری توافق خواهند نمود که از رأی داوری تبعیت نمایند. آراء داوری به رکن حل و فصل اختلاف و به شورا یا کمیته موضوع توافقنامه اطلاع داده خواهد شد و در آنجا هر عضوی می‌تواند هر نظری را در ارتباط با آن رأی

75. Expeditious Arbitration.

۷۶. اصولاً در نظام بین‌المللی حل و فصل اختلافات، استفاده از امر داوری با توجه به اهمیت اصل حاکمیت دولتها از اهمیت درجه اولی برخوردار است.

77. Lee & Lewinski, *op. cit.*, p. 303.

۷۸. ماده (۱) ۲۵ تفاهم‌نامه.

۷۹. ماده (۲) ۲۵ تفاهم‌نامه.

مطرح کند.^{۸۰} ۴- مواد ۲۱ و ۲۲^{۸۱} با تغییرات لازم، ناظر بر آرای داوری خواهند بود.^{۸۲}

البته در این قلمرو، موارد ارجاع اختلاف به داوری، نه تنها محدود و محصور به ماده ۲۵ تفاهم‌نامه به شرح فوق نمی‌باشد، بلکه در دیگر موارد اختلاف هم از جمله «موقعی که رسید قضایی^{۸۳} منجر به وضعیت تعلیق امتیازات و تعهدات گردیده باشد و موضوع اختلاف مربوط به تعیین زمان مناسب اجرا^{۸۴} باشد بنا به تجویز بند ج ماده (۳) ۲۱ تفاهم‌نامه و یا موقعی که امر تعیین میزان منافع از میان رفته و یا لطمه دیده مطرح باشد بنا به تجویز بند ج ماده (۱) ۲۶ تفاهم‌نامه»،^{۸۵} رسیدگی به موضوعات اختلاف مذکور به داوری ارجاع داده می‌شود^{۸۶} و ارجاع این گونه اختلافات به داوری، در واقع امری جدا از نظام داوری به معنای اخص است. زیرا این داوری بیشتر جنبه «داوری اجباری» را متضمن می‌باشد تا داوری مبتنی بر رضایت طرفین اختلاف که در حالت اخیر نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۸۰. ماده (۳) ۲۵ تفاهم‌نامه.
۸۱. ماده ۲۱ و ۲۲ استنادی، مربوط به «نظارت بر اجرای توصیه‌ها و احکام و روشهای جبران و تعلیق امتیازات» می‌باشد.
۸۲. ماده (۴) ۲۵ تفاهم‌نامه.
۸۳. همان‌طوری که در بررسی بعدی خواهیم دید، در مواردی که در نحوه اجرا و زمان توصیه‌نامه و دستورات، اختلاف بروز می‌کند، امر تعیین «فرصت معقول» طبق شرایط مذکور در ماده (۳) ۲۱ تفاهم‌نامه به داوری ارجاع می‌گردد.
۸۴. ماده (ج) (۳) ۲۱ تفاهم‌نامه.
۸۵. ماده (ج) (۱) ۲۶ تفاهم‌نامه.
۸۶. برای مطالعه بیشتر درخصوص داوری در حوزه WTO، رک.

Petersmann Ernest, "Strengthening the GATT Dispute Settlement System, On the Use of Arbitration in GATT", 1988.

۳-۳- استثنائات مربوط به اعمال نظام حل و فصل اختلافات سازمان

جهانی تجارت

اگرچه در نظام جدید حمایت از حقوق مالکیت معنوی با توجه به گستره عام و وسیع موافقتنامه تریپس و عضویت اکثر کشورهای عضو جامعه بین‌المللی دیگر تردیدی بر عمومیت حکومت رژیم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بسر اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای حقوق مالکیت‌های معنوی وجود ندارد، ولی با این وجود و علاوه بر خروج اختلافات مذکور در کنوانسیون‌های متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی در بین غیراعضاء متعهد آن کنوانسیون‌ها که فعلاً عضو سازمان جهانی تجارت نمی‌باشند و قهراً هم باید اختلافات ناشی از اجرای آن کنوانسیونها مطابق ترتیبات مذکور در آن کنوانسیون‌ها و خارج از سیستم حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت حل و فصل گردند؛ معماران حقوقی گات/تریپس، در اثر فشارها و اعتراضات نمایندگان کشورهای در حال توسعه مذاکره کننده در دور اوروگوئه، مواردی به شرح ذیل را نیز از پوشش و شمول نظام جدید حل و فصل اختلاف در چارچوب سازمان جهانی تجارت، خارج نموده‌اند.

۱-۳-۳- اختلافات مربوط به گات ۱۹۴۷

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ مشهور به «گات ۱۹۴۷»، علاوه بر داشتن تصریحاتی در خصوص حمایت از پاره‌ای از حقوق مالکیت معنوی از طریق جلوگیری از علایم تقلبی تجاری کالا و سرقت ادبی، مقرراتی را هم در خصوص کیفیت حل و فصل اختلاف بین دول طرف متعهد آن موافقتنامه دارد که علی‌رغم اجرای موقت موافقتنامه در یک برهه زمانی طولانی بین سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۹۵،

آن مقررات به عنوان روشهای خاص حل و فصل اختلافات و خارج از روشهای کلاسیک حقوق بین‌الملل، در مورد اختلافات بین‌المللی اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و اکنون معماران حقوقی گات هم با توجه به آن مقررات و بنا به اقتضائاتی، امر رسیدگی به آن‌گونه اختلافات را به موجب بند ۱۱ ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف که مقرر می‌دارد:

«... این تفاهم‌نامه فقط در مورد تقاضاهای جدید مشورت طبق مقررات مشورت در موافقتنامه‌های تحت پوشش که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت یا پس از این تاریخ به عمل آمده باشند، قابل اعمال خواهد بود. در مورد اختلافاتی که برای آنها درخواست مشورت بر اساس گات ۱۹۴۷ یا طبق یک موافقتنامه دیگر منعقده پیش از موافقتنامه‌های تحت پوشش، قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت به عمل آمده باشد، قواعد و رویه‌های حل اختلاف مربوط که درست قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت مجری هستند، همچنان قابل اعمال خواهند بود.»

از قلمرو نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت خارج نموده‌اند. یعنی اختلافاتی که شامل کلیه اختلافات مربوط به گات ۱۹۴۷ بوده و قبل از لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت در اول ژانویه ۱۹۹۵ مطرح بوده و یا مطرح شوند، از قلمرو نظام جدید حل اختلاف خارج شده و به شیوه‌های جاری در پرتو نظام گات ۱۹۴۷ دایر بر صدور اطلاعیه^{۸۷} و مشورت در مرحله اول و در صورت عدم توفیق، درخواست مساعی جمیله از طرفهای متعاقد گات در مرحله دوم و در صورت عدم توفیق از این طریق هم ارجاع مسأله به طرفهای متعاقد جهت ملاحظه در مرحله سوم

87. Notification.

و در نهایت هم تشکیل یک هیأت حل اختلاف گات با تقاضای طرف تقاضاکننده براساس مقررات مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۱۹۴۷ و مقررات تفاهم‌نامه ۱۹۷۹^{۸۸} و اصلاحات بعدی آن موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت،^{۸۹} مورد رسیدگی قرار می‌گیرند^{۹۰} و در صورت صدور گزارش یا توصیه‌نامه کتبی از طرف پانل بر اساس یافته‌ها، آن توصیه‌نامه به شورای گات که رسماً قدرت پذیرش گزارش و اعطای قدرت الزام‌آور به آن را دارد، تسلیم می‌گردد.

۲-۳-۳- اختلافات بین‌المللی ناشی از اجرای مقررات حقوق مالکیت معنوی

بین غیر اعضاء سازمان جهانی تجارت

مسلماً، علی‌رغم این که کشورهای صنعتی با اعمال سیاستهایی خاص و تدوین سند نهایی متضمن موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت توانسته‌اند کنوانسیون‌های عمده و اصلی متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی را تحت پوشش موافقتنامه تریپس قرار داده و با اعمال تدابیری خاص قریب به اتفاق کشورهای عضو جامعه بین‌المللی را بنا به ضرورت‌هایی عضو سازمان تجارت بنمایند تا اختلافات بین‌المللی آنها از جمله کلیه اختلافات ناشی از اجرای اکثر مقررات کنوانسیون‌های متضمن حمایت از حقوق مالکیت معنوی تحت سیستم سازمان جهانی تجارت قرار

۸۸. برای مطالعه این تفاهم‌نامه که سه بار در سالهای ۱۹۸۲، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۹ تکمیل شده و در واقع نظام حل و فصل اختلافات گات ۱۹۴۷ را تشکیل می‌دهد، رک.

Petersmann Ernest, "The Dispute Settlement System of WTO and the Evolution of GATT Dispute Settlement Since 1978", Common Market Law Review, 1994, Vol. 13, No. 6.

۸۹. تفاهم‌نامه حل اختلاف ۱۹۷۹ که حاصل مذاکرات دور توکیو برای بهبود نظام حل و فصل اختلاف گات ۱۹۴۷ می‌باشد، در جریان مذاکرات دور اوروگوئه تکمیل و در نهایت شکل متکامل تفاهم‌نامه حاضر در سیستم WTO را پیدا کرده است.

90. Collier J. and Lowe V., The Settlement of Disputes in International Law, Oxford University Press, 1999, pp. 96- 104.

گیرند؛ هنوز هم دولتهایی هستند که با وجود عضویت در کنوانسیون‌هایی از قبیل «کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی» و «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری»، به عضویت سازمان جهانی تجارت در نیامده‌اند.

لذا پرواضح است که در چنین مواردی، حل و فصل اختلاف مطروحه به دلیل عدم عضویت و لو یکی از طرفین اختلاف عضو آن کنوانسیون‌ها در سازمان جهانی تجارت در چارچوب نظام آن سازمان، مقدور نبوده و این امر به شیوه‌هایی صورت می‌گیرد که طرفین اختلاف به موجب آن اسناد، شیوه‌های مورد اشاره در مبحث قبلی را پذیرفته‌اند. این وضعیت در واقع، یک استثناء بر صلاحیت عام و ظاهراً اجباری پانل‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در مورد اختلافات مربوط به کنوانسیون‌ها و موافقتنامه‌های تحت پوشش موافقتنامه تریپس به حساب می‌آید.

۳-۳-۳ اختلافات مربوط به حقوق استیفا شده^{۹۱} (Exhaustion)

موضوع حقوق استیفاء شده که یکی از مشکل‌ترین مباحث دور مذاکرات موافقتنامه تریپس بوده است،^{۹۲} باعث شده تا نهایتاً بین طرفهای

۹۱. برای عبارت Exhaustion، ترجمه مناسبی در فارسی نداریم تا مؤید همان مفهومی باشد که عبارت حقوقی انگلیسی آن دارد. فلذا به ناچار نزدیکترین معنای آن انتخاب گردید، چسرا که در واقع دارنده حقوق مالکیت معنوی با استیفاءی حقوق خود به هر طریق مقتضی اعم از تجویز استفاده، واردات، صادرات، نسخه‌برداری، اجاره و غیره، به حقوق انحصاری خود در این زمینه‌ها خاتمه می‌دهد و دایره این ترتیب می‌تواند بر اساس قوانین داخلی و یا موافقتنامه‌های بین‌المللی، به قلمروهای سرزمینی یا منطقه‌ای و یا جهانی محدود گردد.

۹۲. مسأله‌ای که در مذاکرات دور اوروگوئه غیرقابل حل باقی ماند؛ مسأله Exhaustion بوده است، رک. Otten Adrian, Intellectual Property in Asia and the Pacific, UNDP, Quarterly Journal, No. 48, 1996, p. 24.

مذاکره‌کننده در دور اوروگوئه، در رابطه با حل و فصل اختلاف، از طریق مقبولیت ماده ۶ تریپس که مقرر می‌دارد:

«از لحاظ حل و فصل اختلافات تحت موافقتنامه حاضر، با عنایت به مقررات مواد ۳ و ۴، هیچ چیز در این موافقتنامه برای رجوع به مسأله حقوق استیفاء شده حقوق مالکیت معنوی مورد استفاده قرار نخواهد گرفت».

مصالحه‌ای صورت بگیرد^{۹۳} تا بدین وسیله با خروج این مقوله از حوزه شمول موافقتنامه تریپس،^{۹۴} بر اختلافات بین هیأت‌های مذاکره‌کننده که گروهی از آنها می‌خواستند از طریق موافقتنامه تریپس یک اصل داخلی را وارد حوزه حقوق بین‌الملل بکنند^{۹۵} و گروه دیگر که اساساً طرح آن گونه موضوعات را در پیشگاه پانل‌های حل اختلاف تریپس مقدور نمی‌دانستند، خاتمه داده شود. امروزه نیز عده‌ای، از جمله خبرگان دبیرخانه «سازمان جهانی مالکیت معنوی» عقیده دارند که این مقوله، ولو به شکل تصریح ضمنی در کنوانسیون «برن»، بر مبنای قلمرو سرزمینی مورد حمایت می‌باشد.^{۹۶} اگرچه این مقوله هنوز از ابهامات فراوانی برخوردار است و این امر باعث گردیده است تا هیأت وزیران اعضای سازمان جهانی تجارت هم

93. Gervais Daniel, *op. cit.*, p.61.

۹۴. موضوع حمایت از حقوق استیفاء شده در اسناد بین‌المللی دیگر هم صراحتاً مطرح نگردیده است و فقط از بین کنوانسیونهای تحت مدیریت وایپو (WIPO)، تنها معاهده طرح مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) است که در ماده (۵) ۶ مقرر نموده است، وقتی که یک طرح مدار (توپوگرافی) با رضایت دارنده حق به بازار ارائه می‌شود، دیگر آن حق، استیفاء شده (تمام شده) تلقی می‌گردد.

95. A. A. Yusuf and A. Moncayo Von Hase, "Intellectual Property Protection and International Trade: Exhaustion of Rights", *I World Competition*, London, 1992, p. 127.

96. Gervais Daniel, *op. cit.*, p. 61.

در اجلاس نوامبر / دسامبر سال ۲۰۰۱ خود در «دوحه» قطر به آن توجه نموده و در خاتمه با صدور اعلامیه نهایی خود مقرر نمایند که:

«اجرای مقررات ترپیس در مورد Exhaustion، به عهده هر عضو

گذاشته می‌شود تا آن عضو آزاد باشد در این مورد بدون ایراد به اصول

رفتار ملی و شرط دولت کامله الوداد، رژیم خود را برقرار سازد».^{۹۷}

۴-۳-۳. اختلافات مربوط به ورود لطمه به منافع عضو بدون نقض

مقررات (Non-Violation)

موافقتنامه ترپیس، با درج بند ۲ در ماده ۶۴ خود که مقرر می‌دارد:

«شقوق‌های ب و ج بند ۱ ماده ۲۳ گات ۱۹۹۴ به مدت ۵ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت، در مورد حل و فصل اختلافات ناشی از موافقتنامه حاضر، قابل اعمال نخواهد بود»، در واقع به یکی از مجادلات گسترده هیأت‌های مذاکره‌کننده کشورهای در حال توسعه که شدیداً از عواقب زیان بار این مقررره نگران بوده‌اند، ولو بطور موقت و محدود ۵ ساله از زمان اجرای موافقتنامه که در اول ژانویه سال ۲۰۰۱ به پایان رسیده، خاتمه بخشیده است.^{۹۸} زیرا بدین وسیله برای اولین بار، معماران حقوقی ترپیس توانسته‌اند در تاریخ ۵۰ ساله گات در قلمرو اجرایی شقوق‌های ب و ج بند ۱ ماده ۲۳ گات که به مقوله «ورود لطمه به منافع عضو بدون نقض مقررات» اشتهاار دارد و مقرر می‌دارد:

«اگر یک طرف متعاهد ملاحظه کند که بطور مستقیم یا غیر مستقیم هر

منفعت متعلقه به او تحت این موافقتنامه ملغی می‌گردد و یا لطمه وارد

می‌شود و یا در دستیابی به اهداف موافقتنامه مانع ایجاد می‌گردد به

97. WT/MIN/01/DEC/2, 2001.

98. Gervais Daniel, *op. cit.*, p.249.

نحوی که آن موانع ناشی باشد از: الف- قصور طرف دیگر در اجرای تعهدات خود تحت پوشش این موافقتنامه، ب- به کارگیری هر نوع تدابیر توسط طرف متعاقد قطع نظر از این که آن تدابیر با مقررات این موافقتنامه تعارض داشته باشد یا نه و ج- وجود هر نوع وضعیت دیگر».

تغییرات بنیادین ایجاد و با فرونشاندن نسبی اعتراضات کشورهای در حال توسعه نسبت به ماهیت بسیار غیرحقوقی و بهانه آفرین^{۹۹} این مقرر که در لاتین به Non-Violation اشتها دارد، مقاصد اصلی کشورهای قدرتمند مصر به ابقاء این مقرر را هم حفظ نمایند.

البته نگرانی کشورهای در حال توسعه از این مقرر کاملاً موجه می باشد زیرا از توجه به مقررات ماده ۲۳ گات، به روشنی معلوم می شود که دامنه تعرض به دیگر کشورها به استناد این ماده به صرف ادعای لطمه به منافع و آن هم بطور غیر مستقیم و یا ادعای ایجاد مانع برای تحقق اهداف موافقتنامه بر اثر هر اقدامی از طرف دولت مقابل جهت اقامه دعوی و نهایتاً هم اعمال تزییقات مذکور در تریپس از طرف کشور مدعی، امری ساده، شدنی و مشکل آفرین است^{۱۰۰} و ابهامات موجود در ابعاد حقوقی

۹۹. هر نوع انحراف از استانداردهای مقرر در تریپس ممکن است به آیین حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت بر طبق تفاهم نامه حل اختلاف کشیده شود و اگر نقض تأیید گردد، کشور تحت تأثیر قرار گرفته می تواند اقدام جبرانی تجاری را علیه کشور نقض کننده در هر زمینه تحت پوشش سازمان جهانی تجارت، اعمال نماید. رک.

Correa M. Carlos, Reviewing the TRIPs Agreement, A Positive Agenda for Developing Countries, UNCTAD, UN, 2000, pp. 221- 233.

۱۰۰. دولت امریکا کشورها را قبل از انقضاء موعد برای اصلاح قانون مالکیت معنوی شان، تحت فشار قرار داده است؛ به طوری که در سال ۱۹۹۷ بطور یکجانبه ۲۶۰ میلیون دلار ارزش تجاری با آرژانتین را به بهانه این که حقوق مالکیت معنوی آن کشور متضمن استانداردهای بین المللی نمی باشد، لغو نمود و همین کار را درخصوص دول پاکستان، اکوادور، تایلند و ائیوپی هم انجام داد. رک.

Dawkins Kristin, "Gene Wars: The Politics of Biotechnology", 1997, p. 29.

عبارت‌های مذکور در ماده ۲۳ گات در رابطه با عباراتی از قبیل «لطمه»، «مانع»، «منافع»، «اهداف»، «هر نوع تدبیر»، «هر نوع وضعیت» و غیره از یک طرف و هم سطح نبودن موقعیت‌های مختلف کشورهای عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی در جهان امروز در امکان استفاده از این مقررره از طرف دیگر، هر ناظری را مجاب می‌نماید تا اعتقاد پیدا کند که این مقررره تنها برای دادن بهانه به دست دولت عضوی است^{۱۰۱} که می‌خواهد عقده‌های مخصوصاً سیاسی خود را در موارد مقتضی اعمال نماید. چراکه دامنه اعمال این مقررره، بسیار گسترده‌تر از مصادیق و موارد نقض مقررات مذکور در موافقتنامه تریپس می‌باشد^{۱۰۲} و به همین دلیل در اینجا، این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که آیا اصلاً اعمال مقررره «عدم نقض» در زمینه اجرای مقررات تریپس امری منطقی است یا نه؟

در پاسخ به این پرسش مهم، نظر غالب بر این است که چون مبنای اعمال این مقررره مربوط به امتیازات و تعهدات متقابل در زمینه تجارت کالا پایه‌ریزی شده بود؛ پس بطور کلی اعمال این مقررره در حوزه تریپس، سنخیت ندارد، چرا که مقررات تفصیلی تریپس، خود به قدر کافی استانداردهای حمایتی کافی بدون ضرورت توسل به چنین مقررره‌ای را متضمن می‌باشد^{۱۰۳} و لزوم رعایت آن مقررره در چارچوب تریپس احساس نمی‌گردد. همان‌طوری که پروفیسور جکسون هم، اظهار می‌دارد که اصلاً

۱۰۱. دولت ونزوئلا به موجب سند WT/GC/W/282 که در گات ثبت نموده است، اعلام کرد که با فقدان سابقه مربوط به اختلافات بین‌الدولی Non-Violation، معلوم نیست که این امر در رابطه با حقوق مالکیت معنوی که ماهیتی کاملاً خصوصی دارد چگونه قابلیت اعمال دارد. رک.

Correa M. Carlos, Implementing National Public Health Policies in the Framework of WTO Agreement, Journal of World Trade, Vol. 34, No. 5, Kluwer Law International, Netherland, 2000, p. 6.

102. Lee & Lewinski, *op. cit.*, p.312.

۱۰۳. برای مطالعه بیشتر، رک.

Petersmann Ernest, *op. cit.*, pp. 1157- 1162.

حق شکایت مربوط به «حق نقض»، بایستی از موافقتنامه‌های مزبور حذف گردد.^{۱۰۴}

البته در قلمرو تریپس در این زمینه، هنوز هیچ‌گونه بازنگری خاصی صورت نگرفته است و تحقق چنین امری به فشار دولتها و عقاید علمای حقوق و تأثیرات دکترین آنها بر نمایندگان شرکت‌کننده در شورای تریپس بستگی دارد تا تکلیف آن در آینده روشن گردد. همان‌طور که پروفیسور کارلوس کوره‌آ (Carlos Correa) هم معتقد است که اعمال این مقرر در زمینه تشخیص مقررات داخلی حقوق مالکیت معنوی و زمینه‌های مختلف سیاست‌های داخلی، پنجره اتهامات، مثلاً در رابطه با کنترل قیمت‌ها و مقررات رویالتی‌ها را باز خواهد نمود و ممکن است اعمال این شرط یک محدوده‌خاکستری و مسائل خارج از سیاست ملی و رای حوزه حقوق مالکیت معنوی را مطرح نماید.^{۱۰۵}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

104. Lee & Lewinski, *op. cit.*, p. 313.

105. Correa M. Carlos, *op. cit.*, p. 6.

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد با توجه به وضعیتی که امروزه حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی در عرصه بین‌المللی با تدوین مقررات تریپس پیدا کرده است و با توجه به روش خاصی که اکنون در چارچوب سازمان جهانی تجارت بر کیفیت حل و فصل اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر مقررات این موافقتنامه حاکم شده است، دیگر صحبت استفاده از روشهای کلاسیک حقوق بین‌الملل برای حل و فصل اختلافات موضوعیت چندانی ندارد، مخصوصاً که روشهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با توجه به قبول «صلاحیت اجباری» آن سازمان توسط دول عضو در رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر کلیه موافقتنامه‌های منضم به موافقتنامه آن سازمان از جمله موافقتنامه تریپس، از استحکام و نظم بیشتری در مقایسه با روشهای سابق برخوردار بوده و در نوع خود خارق‌العاده می‌باشند، چرا که با حاکمیت این نظام و با ممنوع شدن اعمال روشهای یکجانبه و نامطلوب سابق توسط پاره‌ای از دولتهای بزرگ در چارچوب گات ۱۹۴۷ مشتمل بر ممانعت و بلوکه کردن در مقابل نهادهای شدن توسل به پاره‌ای از روشهای حل اختلاف از قبیل «امکان انجام مذاکره، مساعی جمیله و مصالحه در هر زمانی و در هر مرحله‌ای از رسیدگی به اختلاف، لزوم تقاضا و انجام مشورت با طرف اختلاف قبل از تشکیل پانل حل اختلاف، تشکیل نظام پانل حل اختلاف از طریق رکن حل اختلاف، امکان استیناف خواهی از آراء پانل‌ها، برقراری نظام با اهمیت اجماع منفی یا وفاق عام سلبی به منظور جلوگیری از دخالت تعیین‌کننده یک کشور در تصمیمات رکن حل اختلاف، قبول اعمال قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل عمومی حاکم بر حل و فصل اختلافات، برقراری نظام زمان‌بندی حل و فصل اختلاف به

منظور نهایی شدن اختلاف در زمانی کمتر از دو سال،^{۱۰۶} حاکمیت قانون مداری در حوزه رسیدگی‌های شبه قضایی پانل‌ها، تجویز ورود دول ثالث ذی‌نفع در مرحله رایزنی و رسیدگی در پانل‌ها»، حداقل در عرصه حقوق بین‌الملل اقتصادی یک تحول شگرف و ابتکاری نو پدید آمده است.

اگرچه گفته می‌شود، علی‌رغم حمایت گسترده و مطمئن از حقوق مالکیت معنوی با به کارگیری روشهای نظام مند و منسجم حل اختلاف و تلقی تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات به عنوان حاصل تلاش کشورهای جهان سوم، امر الزام دول عضو سازمان جهانی تجارت به قبول صلاحیت اجباری روشهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به موجب موافقتنامه‌های پذیرفته شده، علاوه بر سلب اختیار دولتها از آزادی انتخاب شیوه‌های حل اختلاف، انتخاب روشهای حل اختلاف بر خلاف اصل ۳۳ منشور ملل متحد را که به توافق دول در انتخاب روشها تأکید دارد، به آن دولتها تحمیل می‌نماید.^{۱۰۷}

به هرحال امروزه جامعه بین‌المللی معاصر، با اجرای موافقتنامه‌های منضم به موافقتنامه سازمان جهانی تجارت بویژه موافقتنامه تریپس و تفاهم‌نامه حل اختلاف، شاهد یکی از برجسته‌ترین نظام کارآمد حل و فصل بین‌المللی اختلافات در زمینه اختلافات ناشی از اجرا و تفسیر حقوق مالکیت معنوی به منظور حمایت از دارندگان آن حقوق در ابعاد ملی و بین‌المللی

۱۰۶. یکی از عناصر اصلی تقویت این نظام، حذف طرقي است که طرف خواننده یا متضرر می‌توانست با توسل به آن موجبات تأخیر یا سد پروسه حل اختلاف را فراهم نماید. این موضوع بنا پیش‌بینی جدول زمان‌بندی برای مراحل مختلف و اعمال مکانیزم تصمیم‌گیری با کنسانسوس توسط رکن حل اختلاف در پذیرش گزارش پانل و در موارد تعلیق امتیازات میسر شده است. رک.

Otten Adrian, "Strengthening of the Industrial Property System in View of Recent International Development, WIPO Pub, No. 435(E), 1996, p. 34.

۱۰۷. ممتاز، دکتر جمشید، «تفاهم‌نامه سازمان جهانی تجارت راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات: نوآوریها و ابداعات»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۲-۱۱.

است و به نظر می‌رسد این نظام در صدد آن است تا با بهره‌گیری از ترتیبات نظام مند و دقیق در زمینه حل و فصل اختلافات در ابعادی گسترده، اهداف اصلی بنیانگذاران خود مبنی بر تسهیل تجارت آزاد و رفع موانع بر سر تجارت آزاد در ابعاد جهانی را به خوبی تأمین نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی